

# فانتزی عام و کاهش تخریب در ادبیات کودک و نوجوان

جان گرانت<sup>۱</sup>  
مریم جلالی

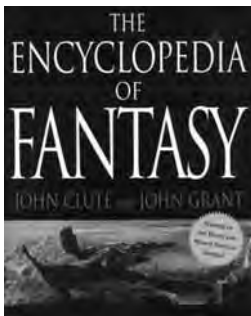
چند سال پیش، وقتی من و جان کلوت مشغول تنظیم پیش‌نویس فهرست مدخل‌های دایره‌المعارف فانتزی<sup>۲</sup> بودیم، احساس کردیم در زیرمجموعه واژه فانتزی، به اصطلاح کلیدی دیگری تحت عنوان فانتزی عام<sup>۳</sup> نیاز داریم. متأسفانه، بسیاری از داستان‌هایی که برای کودکان و نوجوانان نوشته می‌شوند؛ در زیرمجموعه فانتزی‌ها معرفی می‌شوند؛ در صورتی که به اندازه کافی از عناصر این ژانر برخوردار نیستند. البته شایسته یادآوری است که موضوع بسیاری از این داستان‌ها، علمی است. در این میان، دایانا وین‌جونز<sup>۴</sup>، نویسنده رمان‌های فانتزی، تا زمان نگارش کتاب طنز خود، تحت عنوان راهنمای قوی برای دنیای فانتزی<sup>۵</sup> - کاندیدای جایزه فانتزی ۱۹۹۷ جهان - با ما همکاری کرد تا به نتیجه مطلوب‌تری برسیم. جونز، کتاب خود را مثل دایره‌المعارف کوچکی تنظیم کرد و درباره مطالب کلیشه‌ای و ساده فانتزی و موانع آن مطالبی نوشت. او در این کتاب، حتی به کسانی که قصد دارند نویسنده موفقی در زمینه فانتزی شوند، کمک می‌کند تا گام به گام، نوشتن این نوع را تجربه کنند.

فرمی که جونز در کتاب خود به آن اشاره کرده، فانتزی عام است. من و کلوت، ابتدا با این نوع از فانتزی موافق نبودیم و حتی کارهای فانتزی جان رونالد تالکین<sup>۶</sup>، فانتزی‌نویس جهانی را هم مخرب می‌دانستیم. به نظر ما، فانتزی پیش از تالکین، شکل موفقی و متفاوتی از ادبیات داشت و در آن، اغلب از انواع ادبیات داستانی عام و علمی استفاده می‌شد، اما در فانتزی پس از تالکین، دیوارهای آهنین گرداگرد مرزهای دنیای فانتزی کشیده شد و فانتزی‌نویسان، کسانی را که آرزو داشتند زندگی خود را در سرزمین‌های دیگر خیالی تجربه کنند، فراموش کردند. با وجود این، ما بیشتر روی فانتزی جدید متمرکز شدیم. به این دلیل که مزیت فانتزی مدرن، شکوفا کردن استعداد کودکان و نوجوانان است، اما گذشت زمان چیز دیگری را به ما ثابت کرد. کار جونز مورد توجه قرار گرفت و حتی بسیاری از نویسندگان، صادقانه اعتراف کردند که از روش‌های او بسیار بهره برده‌اند.

همین امر، سبب شد ما در مورد تئوری مخرب بودن بعضی از فانتزی‌ها، تجدید نظر کنیم. در دهه ۱۹۶۰، لین کارتر<sup>۷</sup>، نویسنده برجسته آمریکایی، از دیگران پیشی گرفت و با هدفی ستودنی با عنوان «احیای فانتزی»<sup>۸</sup> تعریفی اندک تجاری برای این نوع ادبی ارائه کرد.

کارهای تالکین، رابرت ای. هروارد و ویلیام موریس، فانتزی نام گرفتند و از لحاظ تجاری، خیلی زود ثابت شد که همه آن‌ها فانتزی محسوب می‌شوند. البته تا آن زمان، هنوز تعریف جامع و کاملی از سرزمین فانتزی وجود نداشت و ممکن بود در آینده، داستان‌هایی خلق شوند که علاوه بر عنوان فانتزی، محتوای فانتزی هم داشته باشند. فانتزی تا این زمان، مشخصات زیر را داشت:

- غافلگیرکننده
- جنگال‌برانگیز
- بحث‌انگیز
- امکان وقوع محال
- لذت‌بخش
- خردگریز
- ایجاد تخیل تازه و نو



کتاب‌ماه کودک و نوجوان  
۳۳۳  
خرداد ۱۳۸۸

البته رعایت فرمول بالا توسط نویسندگان، توجیه مناسبی برای قرار گرفتن داستان، در فهرست کتاب‌های فانتزی نبود. چون بسیاری از کتاب‌های فانتزی حاوی این موارد بودند، اما سر از زباله‌دان‌ها درآوردند و به عکس، تعدادی از این کتاب‌ها، حاوی تمام موارد مذکور نبودند، اما جزو مطلوب‌ترین کتاب‌های فانتزی شده بودند.

اما آن‌چه سبب شد ما به فانتزی عام گرایش بیابیم و آن را بررسی کنیم، توجه نویسندگان و خوانندگان به این ژانر بود. پس از جست‌وجوی بسیار، به این نتیجه رسیدیم که خوانندگان فانتزی عام، به دنبال شکل مطلوبی از ادبیات داستانی هستند که بتواند خواننده را حمایت کند و دریافتیم آن‌چه باعث شده است خوانندگان به سمت فانتزی عام گرایش داشته باشند، حمایت متن داستان از آنان است.

نمونه‌ای از این ضرورت، در ادبیات اجتماعی دیده می‌شود. با آن‌که در دیالوگ‌های بسیاری از نوشته‌های اجتماعی، هیچ تبادل اطلاعاتی صورت نمی‌گیرد. اما این امر سبب می‌شود که برای خواننده، اطمینان خاطر ایجاد شده و نیازهای درونی مخاطب رفع شود.

در فانتزی عام، از عناصر داستانی کهن و قدیمی که از فرهنگ‌های پیشین نشأت می‌گیرد، بسیاری استفاده می‌شود. فانتزی عام، بسیار خوش‌ساخت و بی‌هیچ تردیدی مثل فانتزی‌های جامع است، اما مشخصه اصلی‌اش این است که به خواننده کمک می‌کند تا خودش تخیل را به شکل مستقیم، از دل داستان بیرون بکشد. این عمل، مثل کاربرد ادبیات اجتماعی است. خواننده فانتزی عام، از قدرت تخیل خوبی برخوردار است، اما این قدرت نیاز به تقویت دارد و ژانر فانتزی عام، این امکان را به او می‌دهد تا نیاز درونی‌اش را رفع کند. در فانتزی‌های جدید، این امکان برای خواننده بسیار کم‌تر از فانتزی عام است؛ چرا که در فانتزی جدید، خواننده در جست‌وجوی تخیل نیست، بلکه تخیل به او القا می‌شود. در تکمیل فرایند فانتزی عام و جدید، این وجوه مشترک به چشم می‌خورد:

اغلب تکراری هستند.

عناصر متفاوت و جدا از هم در محور هم‌نشینی قرار می‌گیرند.

با ترکیب عناصر، خلق تازه‌ای ایجاد می‌شود.

آن‌چه مهم است، مخرب نبودن هر دو نوع از فانتزی است و علت عمده این امر، وجود ماده تخیل در هر دو

نوع است. طرفداران فانتزی عام، با نوع جدید چندان موافق

نیستند و معتقدند که عنوان‌های مبهم و گره‌های نامعین فانتزی

جدید، تهدیدی جدی برای این ژانر اصیل و بکر محسوب می‌شود. از نظر آنان، کارهای فانتزی اصیل را باید با معیار داستان‌های تالکین سنجید و هر چه از این محدوده خارج باشد، جزو فانتزی‌های مخرب به شمار می‌آید؛ مثل کتاب‌های ارتش دشمن پشت دروازه‌ها و کتاب خدای ترس‌ها.

ادبیات فانتزی دارای اهمیت فرهنگی بسیاری است و منتقدان نباید اجازه بدهند که این فرهنگ توسط جزو و مدهای هولناک تجاری و چرندیات فاقد تخیل و مخرب ذهن، از بین برود.

از طرف دیگر، با مشخص شدن انواع آن، بسیاری از مشکلات نقد ادبی در این زمینه حل خواهد شد.

گام اول، تعریف صحیح اصطلاحات و سپس اضافه کردن اصطلاح جدید، به فهرست مرسوم و شناخته شده انواع ادبیات داستانی است. این امر، روشی ساده در متمایز ساختن دو نوع متفاوت از نوشته‌ها و آثار است. مهم‌تر از همه، مخاطبان فانتزی، با شناخت بیشتری به سراغ این ژانر خواهند رفت.

### پی‌نوشت:

- |                               |                                   |                      |
|-------------------------------|-----------------------------------|----------------------|
| 1- John Grant                 | 4-Diana wyne Sones                | 6- Tolkien J. R. R   |
| 2- The Encylopedia of fantasy | 5- The tough Guide to fantasyland | 7 -Lin Carter        |
| 3- Generic fantasy            |                                   | 8- Reviel of fantasy |

**فانتزی عام، بسیار خوش‌ساخت و بی‌هیچ تردیدی مثل فانتزی‌های جامع است، اما مشخصه اصلی‌اش این است که به خواننده کمک می‌کند تا خودش تخیل را به شکل مستقیم، از دل داستان بیرون بکشد. این عمل، مثل کاربرد ادبیات اجتماعی است. خواننده فانتزی عام، از قدرت تخیل خوبی برخوردار است، اما این قدرت نیاز به تقویت دارد و ژانر فانتزی عام، این امکان را به او می‌دهد تا نیاز درونی‌اش را رفع کند**

**عام، از قدرت تخیل خوبی برخوردار است، اما این قدرت نیاز به تقویت دارد و ژانر فانتزی عام، این امکان را به او می‌دهد تا نیاز درونی‌اش را رفع کند**